

چرا در روسیه استالین محبوب است و گورباچف منفور؟

اندرو انتونی



میخائیل شیشکین در مسکو به دنیا آمده، یکی از تحسین‌شده‌ترین نویسندگان در ادبیات معاصر روسیه و تنها کسی است که هر سه جایزه‌ی ادبی معتبر روسیه را به دست آورده است. این منتقد صریح ولادیمیر پوتین و حکومتی که آن را «رژیم تبهکار» می‌خواند از سال ۱۹۹۵ در سوئیس در تبعید به سر برده است. عنوان جدیدترین کتاب او که به انگلیسی ترجمه شده این است: **روسیه‌ی من: جنگ یا صلح؟** او در این کتاب اوضاع خشونت‌بار تاریخ روسیه و رابطه‌ی پرآشوب میان حکومت روسیه و شهروندانش را بررسی می‌کند.

شما در گذشته از جنگ داخلی در فضای ادبی روسیه میان ناسیونالیست‌ها و لیبرال‌ها سخن گفته‌اید. آیا این جنگ از زمان حمله به اوکراین تشدید شده است؟

بیست سال قبل همه‌ی ما نویسندگان و شاعرانی که به زبان روسی می‌نویسیم در جشنواره‌ی ادبی در کی‌یف در کنار یکدیگر بودیم. احساس می‌کردم که سرانجام سرگرم خلق فرهنگ روسی آینده‌ایم، فرهنگی که در آن فهم متقابل مهم است. اما وقتی روسیه کریمه را به خاک خود ضمیمه کرد، همان نویسندگان و شاعران روسی که در جشنواره با آنها سر یک میز نشستیم فریاد می‌زدند: «کریمه مال ماست! کریمه مال ماست!» اوضاع به نمایش‌نامه‌ی مشهور اوژن یونسکو، **کرگدن**، شباهت داشت که در آن آدم‌ها به کرگدن تبدیل می‌شوند. نمی‌شد با آنها حرف زد. حرف زدن با برادرم که در مسکو زندگی می‌کرد ناممکن شده بود. در نتیجه با هم غریبه شدیم. چیزی شبیه به شکاف تمدنی بین ما در فرهنگ روسی وجود دارد. می‌توانم بفهمم که چرا آدم‌هایی که کتاب نمی‌خوانند از این جنگ حمایت می‌کنند. اما نمی‌توانم توضیح دهم که چرا آدم‌های فرهیخته از این جنگ حمایت می‌کنند.

در کتابتان می‌گویید که رسالت همه‌ی نویسندگان و هنرمندان روس این است که نشان دهند که همه‌ی روس‌ها از این جنگ حمایت نمی‌کنند. اما همان‌طور که گفتید، بسیاری از هنرمندان و نویسندگان فکر نمی‌کنند که چنین رسالتی دارند.

من حالا چنین رسالتی دارم. در تمام طول عمر احساس می‌کردم که جای پای بسیار محکمی دارم. تکیه‌گام فرهنگ روسی بود. اما حالا این تکیه‌گاه از بین رفته است. صد سال قبل مهاجران روس از حرف زدن به زبان روسی در خیابان‌های پاریس یا برلین احساس شرمساری نمی‌کردند. اما حالا از حرف زدن به زبان خودشان شرمسارند. و حالا رسالت من این است که با تمام قوا بکوشم تا حیثیت و اعتبار را به زبان روسی برگردانم. و این فقط با پیروزی اوکراین در جنگ علیه دشمن مشترکمان، رژیم روسیه، امکان‌پذیر است زیرا دشمن اصلی فرهنگ روسی، حکومت روسیه است.

شما در کتاب می‌نویسید که روسیه تنها در صورتی آینده‌ای دارد که متحمل شکستی تمام‌عیار شود. آیا واقعاً امکان دارد که چنین اتفاقی برای یک قدرت اتمی رخ دهد؟

پوتین از نظر روان‌شناختی به همه‌ی دیکتاتورها شباهت دارد. دیکتاتورها می‌گویند: «اگر من از دنیا بروم، دنیا هم باید با من از بین برود.» دیکتاتورها از احساس همدلی بی‌بهره‌اند. آنها از مردم متنفرند. بنابراین، مطمئن‌ام که پوتین فرمان‌حمله‌ی هسته‌ای را صادر خواهد کرد. اما هیچ‌کس از دستور او مبنی بر نابودی کره‌ی زمین اطاعت نخواهد کرد. هیچ‌کس می‌داند چرا؟ چون در روسیه پرسش اصلی با پرسش‌های طرح‌شده در ادبیات کلاسیک روسی قرن نوزدهم – چه کسی مقصر است؟ چه باید کرد؟ – فرق دارد. پرسش اصلی این است: تزار حاکم، واقعی است یا جعلی؟ و با پیروزی در جنگ است که می‌توانید واقعی‌بودن خود را ثابت کنید. استالین میلیون‌ها نفر را به قتل رساند اما محبوب مردم روسیه است. گورباچف در غرب محبوب بود اما در جنگ افغانستان و جنگ سرد علیه غرب شکست خورد. بنابراین، در روسیه منفور است. ژنرال‌های پوتین به او گفتند که طی سه روز کی‌یف را خواهد گرفت، و او در محاسبات خود اشتباه کرد. او ناکام ماند. و حالا به تزاری جعلی تبدیل شده است. هیچ‌کس از دستور یک تزار جعلی اطاعت نخواهد کرد.

کتاب شما هشدار نسبت به تحریف زبان و عادی‌سازی دروغ است. اما اگر دروغی قوی‌تر از حقیقت باشد، چه کسی آن قدر شجاع خواهد بود که در برابر دروغ قد برافرازد و خطر زندان یا مرگ را بپذیرد؟ برای مثال، شما خودتان آخرین بار چه زمانی در روسیه بودید؟

آخرین بار در اکتبر ۲۰۱۴ در روسیه بودم. در نمایشگاه کتاب کراسنویارسک. در میان سخنرانان تنها کسی بودم که درباره‌ی جنگ [در شرق اوکراین] حرف زدم. این سکوت شرم‌آور بود، این آخرین دیدارم از روسیه بود. البته الان به هر حال سفر به روسیه ناممکن است. [این روزها] پیام‌های تهدید به مرگ دریافت می‌کنم، اما چه باید کرد؟ آیا باید ساکت بمانم؟ آیا باید از حرف زدن یا نوشتن دست بردارم؟ در این صورت، زندگی‌ام دیگر معنایی نخواهد داشت. من از حرف زدن و نوشتن دست نخواهم کشید.

شما در کتاب درباره‌ی «دهه‌ی پرآشوب ۱۹۹۰» نوشته‌اید، دورانی که الیگارش‌ها منابع طبیعی را غارت کردند و تبهکاران به قدرت دست یافتند. [آن دهه] فرصت بزرگی [برای دموکراتیزاسیون] بود که از دست رفت. غرب برای حمایت از دموکراسی در روسیه چه می‌توانست بکند؟

متأسفانه واقعیت این است که غرب به ایجاد این حکومت تبهکار در روسیه کمک کرد. در دهه‌ی 90 مردم برای دموکراسی آماده بودند اما از طرز کار آن به هیچ وجه آگاهی نداشتند. دموکراسی‌های غربی به دموکراسی جدید روسیه چه چیزی نشان دادند؟ من در سوئیس مترجم بودم و می‌دیدم که این دستگاه عظیم پول‌شویی چطور کار می‌کند. آدم‌هایی با پول‌های کثیف از روسیه می‌آمدند تا در زوریخ حساب بانکی باز کنند. و وکلا، کارمندان بانک، و همه خیلی خوشحال بودند که این پول کثیف را بگیرند. آنها به خوبی می‌دانستند که این پول کثیف است. همین اتفاق در لندن رخ داد، حتی به نظرم به شکلی بدتر. البته مسئولیت اصلی بر عهده‌ی خود روس‌ها بود اما بدون حمایت دموکراسی‌های غربی، ایجاد این دیکتاتوری جدید در روسیه غیرممکن بود.

آیا نسبت به آینده‌ی روسیه خوش‌بین هستید؟

من نسبت به اوکراین بسیار خوش‌بین هستم. مطمئن‌ام که در این جنگ پیروز خواهند شد. در مورد آینده‌ی روسیه بسیار بدبین‌ام. فکر نمی‌کنم که به کشوری دموکراتیک، شگفت‌انگیز و زیبا تبدیل شود. سرانجام، روزی از پوتین خبری نخواهد بود و جنگ بزرگی بر سر قدرت به راه خواهد افتاد. سقوط امپراتوری روسیه ادامه خواهد یافت؛

همه‌ی این جمهوری‌های ملی از فدراسیون روسیه جدا خواهند شد. سیبری هم جدا خواهد شد. به نظرم، دیکتاتورهای جدیدی در روسیه به قدرت خواهند رسید و غرب از آنها حمایت خواهد کرد چون این دیکتاتورها قول خواهند داد که کنترل تسلیحات هسته‌ای را به دست بگیرند، و تاریخ روسیه دوباره مایه‌ی پشیمانی و ندامت خواهد شد.

شما در کتاب می‌گویید که نفرت نوعی بیماری است، و فرهنگ درمان آن. آیا فرهنگ می‌تواند در تغییر این آینده‌ی تاریک نقشی داشته باشد؟

بعد از این جنگ، نفرت شدیدی میان اوکراینی‌ها و روس‌ها وجود خواهد داشت. برطرف کردن اختلافات آسان نخواهد بود. اما ما باید اختلافات را رفع کنیم. و این کار تنها از طریق فرهنگ، تمدن، ادبیات و موسیقی امکان‌پذیر است. این رسالت عظیم ما خواهد بود.

برگردان: عرفان ثابتی

اندرو انتونی روزنامه‌نگار **گاردین** و **آبزور** است. آنچه خواندید برگردان این نوشته با عنوان اصلی زیر است:

Andrew Anthony. 'Mikhail Shishkin: The main enemy of Russian culture is the Russian regime (<https://www.theguardian.com/books/2023/apr/02/mikhail-shishkin-my-russia-war-or-peace-interview-letter>)', *The Observer*, 2 April 2023